

تقدیم تاریخ ۳

۱۷ خرداد، روز خیاط و تصمیمات یکپارچه!

این روز را به مسئولانی تقدیم می کنیم که با تصمیمات یکپارچه بدون توجه به نظرات و خواست مردم، خودشان می برند و می دوزند ولی نتیجه خیاطی آن ها پارگی بیش از اندازه [لباس های] مردم و دپاره شدن آن ها به فارسی سخت است! مردم هم که این دو پارگی ها و چند پارگی ها را مشاهده کرده اند، بنا بر توصیه جناب حافظ، علاج را خروج از لباس دنیوی پاره پاره دیده اند که می فرماید: حافظ این خرقة پشمینه بپنداز که ما ... که ما چی؟ که مادر پلیس فتا حواسمان هست! پس بیخود از این لباس ها خارج نشوید که آقا پلیسه بیداره! با کنترل نامحسوس اعمال قانونتان می کند، اندازه یک چیپس و ماستی که شب گذشته میل کرده اید!

خاموش کرده و به همراه مسافر، خود را بدوید و هل داده اند تا روشن شود. در نهایت، نه به صاف مرغ رسیده اند و نه به نوبت وام. این روز را به این گروه که هر چه بدونند نمی رسند تقدیم می کنیم. مناسبت دوم این روز روز بازی های رومیزی است که ربطی به گروه دوم ندارد. بازی های رومیزی در اوقات فراغت و بازی های زیرمیزی در اوقات کاری برای گرفتن وام کلان از بانک و واردات مرغ و تخم مرغ بازار دولتی و ... مختص گروه اول است.



۱۱ خردادماه، روز دویان مهره ها روی صفحه بازی های زیرمیزی!

این روز دو مناسبت داشت که به هم مرتبط است: یکی روز دویان است که می توان آن را به دو گروه تقدیم کرد. اول شهروندانی که دیشب دیروقت از سفر خارجی برگشته اند ولی برنامه دو صبحگاهی در مناطق خوش آب و هوا را طبق برنامه مشاور تغذیه ورزشی نشان نباید از دست بدهند، به شرط آنکه صبحانه انگلیسی بعد از ورزش فراموش نشود! گروه دوم افرادی هستند که مثل گروه اول دیروقت رسیده اند خانه ولی برای اینکه در صاف مرغ دولتی و گرفتن نوبت وام از بانک جلو بیفتند، صبح زود بیدار شده و بدوید و حاضر شده اند تا به موقع برسند، ولی باز هم نرسیده اند چون در مسیر مسافر زده اند ولی به دلیل فرسودگی خود روز زیرپایشان، خودرو

میلان

مهدی محمدی

تهرمت اعتیاد!

رد شدیم.
- رد نشدیم که، بیست سی متر جلوتر از در پارک واستادم. شما می گی می خوامی بری پیاده روی. بعد دو قدم راه رو نمی تونی پیاده بری؟!
مسافر به نشانه تأسف سری تکان داد و بعد از اینکه پیاده شد به من گفت: اگه می بینی من شریام به خاطر این ورزش. می فهمی؟ ورزش!
چند قدم بعد یکبار نشست روی زمین و یک نفر را که انگار می شناخت صدا زد و گفت: شاقی، شاقی!

مسافر گفت: منم واشه خودم نمی گم. من زورم ژوون ها و کشاییه که اشیر غول اعتیاد شدن. همین طوری یه عالمه توی تریاک، نون شوخته و پودر کاکائو قاتی می کنن. وقتی موژودی تریاک کم بشه، ناخالشی هاش هم بیشتر می شه.
بعد از چند لحظه هم گفت: آقای راننده، ژلوی این پارک نگه دار، می خوام برم ورزش و پیاده روی. برای سلامتی شود منده.
راننده زد روی ترمز.
- آقای راننده، دیر واشتادی! از مقصد

به چرت زدن.
راننده گفت: امان از این مواد مخدر. همین تازگی هم کلی مواد مخدر کشف کردن ولی نمی دومن دقیقاً چی بوده.
مسافر کناری چرتش پاره شد و گفت: خدا کنه. هر مخدری هشت، تریاک نباشه. چون ارژنه کم می شه، تقاژا افزایش، قیمت زیاد می شه.
راننده گفت: شما که خدا رو شکر خودت می گی معتاد نیستی، نباید قیمت برات مهم باشه.

صندلی عقب تاکسی نشسته بودم که تاکسی نگه داشت. مسافری سوار شد و بی مقدمه گفت: همین طور الکی الکی بهم گفتند معتادی.
گفتم: ببخشید! کیا الکی الکی به شما گفتند معتاد؟
گفت: همین آزمایشگاه تشمت اعتیاد گفته اعتیادت مشبته. ژان من، ژان من، تو منو نیگا، بگو قیافه من به مشرف کننده می خوره؟
قبل از اینکه بخواهم جوابی بدهم، چشمانش بسته شد و شروع کرد

صفحه ۷
۲۰ خرداد ۱۴۰۲
شماره ۷۵

روایتی از زندگی روزمره شهری

ایجو، مگفتن

فاطمه بوجار

جان کری (هماهنگ کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید): در راستای بازگشایی سفارت ایران در عربستان

ما از یکپارچگی، گفت و گو و شفافیت بیشتر در منطقه حمایت می کنیم.

(ایرنا)

حمید سپیدنام
(مستتر تیستر):

ما از تغذیه

مناسب

ورژیم های

لاغری حمایت

می کنیم.



امانوئل مکرون
(رئیس جمهور فرانسه):

ما از آزادی

بیان درباره

هلو کاست

حمایت

می کنیم.



عبسی زارع پور
(وزیر ارتباطات):

ما از تعامل مردم

باشبکه های

اجتماعی

خارجی حمایت

می کنیم.



گره نره و روباه مکار:
ما

از راست گویی

و درستکاری

حمایت

می کنیم.



صدام (آغاز گر جنگ
هشت ساله ایران و عراق):

ما از کنوانسیون

بین المللی منع

جنگ افزارهای

شیمیایی حمایت

می کنیم.

